

تضعیف رهبری

بقیه از صفحه ۱

هر کسی را که زبان به انتقاد بگشاید محاکمه می کنند بدون اینکه دروغ جواب این سوال باشند که شما خود کجا بودید و چه کاری کردید و چه سهمی در انقلاب و اعتراض داشتید؟ مگر آیت الله بروجردی بزرگترین مرجع مذهبی آن زمان بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رژیم استبدادی شاه را با تلگرام مورد پشتیبانی قرار داد؟ اکنون مفهوم مرجعیت مذهبی با مرجعیت سیاسی به حدی از بستگی رسیده است که دیگر هیچکس حاضر نیست به سوابق و گذشته های سیاسی خود نگاه کند و به این سوال جواب دهد که رابطه منطقی مرجعیت سیاسی با مرجعیت مذهبی چیست. برخی از مراجع مذهبی در اوایل دوران استبداد در گفت و گو با واسطه ها و فرستاده های رژیم خواستهایشان در این محدوده خلاصه میشد که اگر رژیم دست از کشتار بردارد و اگر رژیم قانون حمایت خانواده و حقوق زن را در آن قانون برای طلاق لغو کند و اگر رژیم مدارس مختلط را بهم بزند مردم دست از اعتراض بپروانند داشت و به خانه هایشان خواهند رفت.

این همه خواست های آنها از رژیم استبدادی بود که استمرار و بقای آن را بدنبال آنها در اجرای این سه مطلب تضمین می کرد. در حالی که برای رسیدن به مرجعیت سیاسی تنها مرجعیت مذهبی کافی نیست، مرجعیت سیاسی از آن کسانی است که در راه مبارزه با رژیم استبدادی پیشگام باشند و از زندان و تبعید نهراسند و رژیم را در راه تبعیت از امر بمعروف و نهی از منکر به حسابرسی بخوانند، آیا مرجعیت مذهبی برای کسانی که در همه ادوار استبداد خاموش و ساکت بودند و حتی از دیدار با خانواده های زندانیان و شهدا نیز که برای دادخواهی پدرخانه آنها می رفتند خودداری میکردند میتواند مجوزی برای مرجعیت سیاسی باشد؟

و چگونه است کسانی که حتی در ماههای آخر نظام استبدادی از رفتن به منبر و ادای وظیفه انسانی خودداری می کردند امروز از روی منابر به رهبر نهضت ملی ایران دکتر مصدق اهانت می کنند و بدروغ از روی منبر پیغمبر اسلام او را دشمن مذهب معرفی می کنند و علت کثورت او را با آقای کاشانی بی اعتنائی به مذهب قلمداد می نمایند. آیا این دروغ گوئی او تعریف حقایق تاریخی خدمت به انقلاب راستین مردم ایران است یا مقدمه بازگشت انقلاب به مواضع سرمایه داری و نظام استبدادی وابسته به امپریالیسم آمریکا؟ از همه اینها گذشته دخالت مرجعیت مذهبی و روحانی در سیاست و قدرت دلیل بر بی حق بودن دیگران در حقوق فطری و مشروع آنها نیست، به معنای دیگر تنها مرجعیت مذهبی و روحانی مجوز در دست گرفتن قدرت و انحصار کردن قدرت نیست بلکه هر مرجع مذهبی و روحانی باید نخست آزمایش خود را در میدان امر بمعروف و نهی از منکر یعنی در مبارزه با استبداد داده باشد، و همانطور که گفتیم همه اینها دلیل بر انحصار کردن قدرت و کنار گذاشتن افراد و گروه های مبارز سیاسی دیگر نمی باشد.

تلاش برای قیبه کردن قدرت از سوی محافل روحانی و مذهبی دولت را به ضعیفترین و خطرناکترین موضع قدرت رسانده، و مردم را از همه جریانات سیاسی مملکت بی خبر گذاشته است. زیرا مردم بهیچوجه و بهیچگونه راهی به شورای انقلاب ندارند و طریق رابطه شورای انقلاب با مردم بهیچوجه روشن نیست و خود این تلاش و طواهر ناگوار و ناخوشایند نشان می دهد که اصولا شورای انقلاب رابطه ای با مردم ندارد در حالی که همه اهرمهای قدرت بطور انحصاری از سوی شورای انقلاب یا شورای مذهبی و روحانی انقلاب به تصرف درآمده است، اجزای سازمانی دولت یعنی ادارات مختلف مملکتی در تاتیر این قدرت و دخالت مستمر و مستقیم عوامل وابسته به شورای مذهبی انقلاب یعنی کمیته ها و پاسداران و دادگاهها و وابستگان به

اجزایی که بوسیله روحانیون ایجاد شده است از فعالیت پازمانده است. آنچه در زنجار گشت و به اعتصاب چندین هزار نفر از کسبه و بازاریان این شهر منتهی شد نمونه ایست که کم و بیش در همه شهرهای کشور وجود دارد.

عوامل سرمایه داری و بورژوازی و عوامل وابسته به گروه های که پیش از همه از رهگذر رژیم استبدادی سود بردند از این طریق نفوذ از دست داده خود را باز می یابند. در روزنامه ها می خوانیم که یک تاجر آهن موسسه کیهان را با سرمایه ای بالغ بر هشتصد میلیون تومان می خرد. این معامله در انقلاب اسلامی چگونه توجیه می شود؟ چه کسی میتواند از راه حلال این همه ثروت جمع کند و این موسسه را بدون دخالت کارمندان و کارگران آن برای چه هدفی می خرد؟ جز برای انحصار کردن نشر و انتشار اخبار درست گروه حاکمه کونی که در گروه های مختلف بورژوازی و مذهبی و سرمایه داری بصورت هیئت متلف درآمده اند؟

وقتی یکی از روحانیون معروف می گوید شورای انقلاب باید حکومت کند و رئیس جمهور باید یکی از اعضای شورای انقلاب باشد در واقع شکل انحصاری قدرت بدست روحانیون از پیش ترسیم می شود. شورای انقلاب که راسا بدون رای مردم منصوب شده و سرنوشت مملکت را بدون ارائه هویت خود برای مردم در دست گرفته است چگونه میتواند معرف الگویی یک حکومت اسلامی باشد؟ حکومت اسلامی اساسش پرشور و مشورت است. در حالی که در تصویب قانون اساسی اساس این شور و مشورت که می باید در سطح ملی و در برگیرنده همه توده های مردم باشد زیر پا گذاشته می شود، مفسر و مدافع این محدودیت حق مردم در تله و یزیون می گوید که برای تصویب قانون اساسی باید افراد خیره و کارشناس جمع شوند آنهم به شرطی که مسلمان عامی باشند! آولا چه کسی و چه مرجعی میتواند مسلمان عامی را که واقعا مسلمان باشد انتخاب کند. آیا صرف ادای فرائض مذهبی میتواند معرف یک مسلمان عامی باشد، پس اینهمه افرادی را که در لباس روحانی از ساواک حقوق می گرفتند چگونه میتوان مسلمان واقعی دانست.

مسلمان عامی واقعی در موضع تشیع همیشه با قدرت و زور مخالف بوده است و امروز هیچ مرجع و هیچ سازمان مذهبی قادر به تشخیص مسلمان عامی یعنی کسی که به اسلام واقعی مومن و به ادای فرائض مذهبی مقید باشد نیست. و این گونه حرفها و ادعاهای دهنی جز حصر قدرت و مسدود کردن راه پرورود افراد انقلابی و وطن دوست در مجلس و حکومت ندارد.

آیا صرف مجلس بودن به لباس مخصوص و انجام فرائض مذهبی میتواند دلیل بر شایستگی برای انحصار کردن قدرت باشد؟

وقتی کسی یا کسانی حکومت را با کودتا قیبه می کنند بخاطر اتکالی به قدرت و اسلحه خود دست به تشکیل شورای انقلاب می زنند و با تقسیم کردن قدرت بین خود بدون بدست آوردن مشروعیت و حقانیت قانونی از رای مردم در مسند قدرت می نشینند.

حکومت کودتا با مردم و رای مردم کاری ندارد و بهانه انحصار کردن قدرت هم برقراری نظم و امنیت و سرکوبی هرج و مرج است، شورای انقلاب ما نیز با درست داشتن اختیار کمیته ها و پاسداران و دادگاهها و بدون کوچکترین خط سازمانی رابطه با مردم اکنون در چنین موضعی قرار گرفته است. این موضع مفهومی جز انحصار کردن قدرت و از روحانیون طبقه متزه ای بوجود آوردن هدف دیگری ندارد. وقتی سیستم بانکی مملکت ظاهرا از صورت سرمایه داری قبلی خود خارج می شود بانک اسلامی از قانون ملی شدن بانکها مستثنی می شود در قانون مطهرات بدون توجه به مبانی اسلامی تشیع برای مراجع امتیازات استثنائی قائل می شوند. فرماندهی که

مراجع روحانیت نه انتصابی است و نه انتخابی در قانون و مطهرات شخص اول پیدا می کند این عمل را نمیتوان حمل بر بی اطلاعی نویسندگان قانون کرد بلکه اقدامی عمدی برای امتیاز بخشیدن و مافوق قانون قرار دادن روحانیون است. مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه امروز پیچیده تر از آنست که نبودن آنها را فقط با تحصیل فقه و اصولی استنباط کرد در اسلام مکاشفه و اشراق و فهم همه مسائل زندگی از راه الهام و اشراق وجود ندارد اسلام دینی است که انسان را به تحصیل دانش مکلف می کند: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» این حکم قرآن است و تأمل و تبصر در جهان سیر و سیاحت برای رسیدن به سرچشمه های علم از وظایف مذهبی هر مسلمان است. بنابراین استنباط مسائل زندگی مربوط برام لازمه اش آگاهی بر همه علوم انسانی و روابط پیچیده اجتماعی و اقتصادی آنست. این دستور قرآن است که: «و شاورهم فی الامر فاذا عزمت علی الله» یعنی با مردم مشورت کن و پس از آنکه تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن.

این جهت و مسیر حکومت اسلامی در قرآن است. توکل بر خدا پس از مشورت و شور با مردم است. شور و مشورت با مردم غیر از استفاده غیر علمی و عملی از احساسات آنها می باشد. زیرا شور و مشورت است که به مردم آگاهی و پیش سیاسی می دهد. حکم قرآن است که عالمان بانادانان برابرنیستند، بنابراین عالمان نمی توانند با تحمیل رای و نظر خود بر توده های که به فرهنگ و دانش اجتماعی و سیاسی مجهز نیستند احساسات آنها را در جهت منافع و مصالح خود تحریک نمایند به این نوع سوء استفاده از احساسات عوامل در اسلام نگاه و سرمشاه فساد یعنی بدست آوردن قدرت و زور با استفاده از تمایلات و احساسات توده هاست.

آشنا کردن مردم با مبانی سیاسی و اجتماعی اسلام با تلاش برای تشکیل یک حکومت مذهبی تفاوت فراوان دارد. جای اولی در مسجد است و در آنجاست که میتوان پایه های دموکراسی اسلامی را با شرکت مردم و تشکیل مجالس شور و گفت و گو ایجاد کرد، اما جای دومی یعنی قدرت در حکومت و در پارلمان است.

اگر روحانیت می خواهد در سیاست دخالت کند باید بصورت دموکراتیک از طریق حزب عمل کند، یعنی در تبلیغ و ارشاد مردم بکوشد و برای راه حل های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه برنامه های مشخصی ارائه دهد و این کار را بدون تلاش برای انحصار کردن قدرت انجام دهد یعنی خود را در یک مسابقه و رقابت دموکراتیک قرار دهد. در اینصورت باید از مشورت و زور برای باز کردن فضای قدرت جهت خود اجتناب کند و به قاعده بازی دموکراسی یعنی آزادی فعالیت و آزادی قلم و آزادی تفکر احترام بگذارد.

ما بارها گفته ایم که رهبری آقای خمینی یک رهبری شامل است و تنها مربوط به گروه های مذهبی نیست، این رهبری از سوی همه مردم ایران چه مسلمان و چه مسیحی و چه یهودی و چه کسانی که به لباس مذهب ملیس نیستند و با فرائض مذهبی را انجام نمی دهند به رسمیت شناخته شده است، مرجعیت و مشروعیت این رهبری تنها برای این نیست که آقای خمینی، یک مرجع روحانی است بلکه از آن جهت است که آقای خمینی با قیام در برابر استبداد و برخلاف بسیاری از مراجع مذهبی با شکستن سکوت و موضع قاطع خود به مرجعیت سیاسی رسیده است. مرجعیت سیاسی آقای خمینی از آن جهت شامل و فراگیر است که ادامه قدرت شاه و غیر قانونی بودن آن را بنام سلطنت اساس و پایه مبارزه خود قرار داده، بنابراین نه یک مرجع مذهبی میتواند حتما و قطعا مرجع سیاسی باشد و نه یک مرجع سیاسی باید حتما و قطعا مرجع مذهبی باشد، امریکر و دکتر مصدق در حالی که مرجع سیاسی برای مردم بودند ولی مرجع مذهبی نبودند و مرجعیت سیاسی آقای خمینی و مرحوم طباطبائی و میرزای شیرازی نیز فقط بخاطر مرجعیت مذهبی آنها نبود و نیست و هنگامی که آقای کاشانی در مقام یک مرجع مذهبی از نهضت جدا شد و در برابر آن قرار گرفت بحکم

استاد و مدارک تاریخی مرجعیت سیاسی خود را از دست داد.

انقلاب ما پس از یک دوره طولانی از اجتماعی شرایط خاص سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه به ثمر رسید هدف انقلاب ما تنها کنار گذاشتن شاه و داروسته او نبود و امروز با انجام این کار انقلاب ما به ثمر رسیده است، انقلاب ما حامل مسائل بسیار پیچیده و بفرنج اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است، اگر روحانیت می خواهد با دردمت گرفتن قدرت و حصر آن برای خود و کنار گذاشتن نیروهای غیر مذهبی سیاسی یا مذهبی غیر روحانی و روشنفکران این مسائل پیچیده را حل کند سخت در اشتباه است زیرا در این محدوده از حصر قدرت سرمایه داری بازار بتدریج در پیرامون احزاب مذهبی نفوذ می کنند و مواضع از دست رفته خود را در غارت مردم و تحمیل ضوابط سرمایه داری وابسته خارجی بر مردم بدست خواهند آورد.

ما وقتی که از افغانستان حرف می زنیم این سادگی و انحراف ذهنی از حقایق پیچیده سیاسی سخت خردنمائی می کند. ما ظاهرا از مسلمانان افغانستان بر ضد رژیم کونی آن حمایت می کنیم اما نه اطلاع داریم و نه از خود می پرسیم این مسلمانان که امروز در برابر رژیم مترقی افغانستان قیام کرده اند چه کسانی هستند و از چه چیز دفاع می کنند و از کجا تغذیه و حمایت می شوند. این نوع قضاوت های سطحی نظیر تلاش برای انحصار کردن قدرت انقلاب ما را بی دلیل در مسریر لغزش ها و انحرافات جبران ناپذیر قرار می دهد. ما بدون اینکه به اصل تاسیس شوراهای در استانهای خود توجه کنیم و بدون اینکه پوله های نفت را در راه انجام برنامه های انقلابی به مصرف برسانیم با این گونه اعمال و ذارویهای سطحی از مسائل برای خود اشکالات فراوانی بوجود می آوریم که حل آنها روزه روزه برای دستگاه ضعیف دولت که خود هنوز هیچگونه برنامه مشخص انقلابی را ارائه نمی دهد مشکلتر می شود.

مسئله اصلی اینست که انحصارگران قدرت خود مجال بررسی آثار ناشی از این انحصار طلبی را در جریان امور روزانه مملکت نمی دانند. استادی نزدی من شکایت می کرد که همه گناه و جرم من در زندگی دانشگاهی تصدی ریاست دانشگاه و یا معاون دانشگاه بوده است اما امروز مرا به اتهام رابطه با ساواک از دانشگاه اخراج کرده اند.

دومی گفت رابطه با ساواک یعنی چه؟ اگر من عضو ساواک بودم باید در ساواک پرونده داشته باشم چگونه بدون سند و مدرک به صرف تصور چند دانشجو و یارقات های معمول شفلی میتوان استادی را با این اتهام هولناک از شفلی محروم کرد یعنی عنصر مفید و ارزنده ای را از تدریس بازداشت و یا در حالی که دولت برای تصدی مقامات بالای دولتی دائم در تکیه است چنین افرادی را به اجبار خانه نشین کرده یکی دیگر از صاحبان مقامات عالی دولتی که در اس سازمان اقتصادی و فنی بزرگی قرار گرفته است من با تمام تلاشی که برای برآوردن دستگاه از سونی و پاک سازی آن از سوی دیگر می کنم اما بجای از دخالت های ناروا و غیر مسئول رسیده ام که چاره ای جز استعفا ندارم.

این ها را بگذارید کنار مسائل دیگری نظیر چپاول جزیره کیش و حراج بدون نظارت آتاقیه آن و شکستن و نابود کردن اشیاء آنجا و سایر چپاول همین توفیق ها و شکسته ها و سایر اعمال دیگر در کنار بی خبری صرف مردم از مسائل سیاسی مملکت و به این نتیجه برسیم که این وضع محصور چه عملی است؟ چه تلاشی های خصوصی و گروهی برای انحصار کردن قدرت از زاویه مذهب و نگاه یک بعدی به مسائل عمومی جامعه چه دلیل دیگری دارد؟

این مسائل با موعظه و اندرز و اتهام و دعوت به محاکمه و تائید بر رجحان طوطی مذهبی بر اصول اعتقادی اجتماعی حل نمیشود بلکه روزه روز گرایش قدرتهای حاکم را به پیروی به سوی ارتجاع و متزوی شدن و سرانجام رفتن به

طرح پیشنهادی برای حل

مشکل درمان و بهداشت

دکتر حسن بشر

درمان است و درارتباط با صندوق تامین اجتماعی است اختصاراً توضیح و اعلام میگردد.

بیمه از ضرورت زمان است و نمیتوان آنرا نادیده گرفت. این سیاست امکان میدهد ضمن اینکه تامین درمان صورت گیرد آینده زحمتکشان در نظر گرفته شود و بدلائل معلولیت - از کارافتادگی و یا بازنشستگی از امکانات زندگی برخوردار باشند ولی بعلمت بالا بودن حق بیمه نسبت به حقوق که درصداً قابل توجهی را دربر میگیرد به کرات میزان آن مورد اعتراض بوده است

حق بیمه اختصاص به مزایای دیگر بیمه که شرح آن گذشت و مربوط به زمان از کار افتادگی و یا معلولیت است مربوط میگردد که تامین کننده زندگی زحمتکشان و غیر قابل بحث است. لیکن آن که ارتباط به حق بیمه درمان پیدا میکند نمیتوان صرف نظر نمود و بهداشت و درمان آنها از طریق سیستم شبکه که بعداً توضیح داده خواهد شد و بوسیله افراد منتخب خودشان اداره خواهد گردید تامین گردد. پیش نهاد فوق شاید این توهم را بوجود آورد که با این طرح سازمان مسنولی وجود نخواهد داشت در حالیکه در زمانیکه سیستم درمانی مملکت را در این طرح توضیح دهیم روشن خواهد گردید که شبکه های درمانی و بهداشتی تنها مسنولیت تعدادی جمعیت معینی را در یک محدوده جغرافیائی ثابت بعهده خواهند داشت که مدیریت آن از طریق هیئت مدیره که منتخب خود مردم ساکن در آن محدوده جغرافیائی خواهند بود انجام میگردد و برنوع نارسائی در امر درمان را خیلی راحت تر از دستگاه فرعونی سازمان بیمه های اجتماعی کارگران که هدفش فقط جمع آوری پول بود میتوان حل نمود.

پس از حذف رفاه و تامین اجتماعی قسمت های باقیمانده بنام وزارت بهداشت نامیده گردد که وظیفه اش صرفاً تامین بهداشت و درمان مملکت است و این وزارت خانه به قسمت های بهداشتی - درمانی یعنی شبکه ها و قسمت ستادی که شامل قسمت ستادی وزارت خانه که مسنول کلیه طرح ها - سیاست - ضوابط - و ناظر بر کلیه امور بهداشتی و درمانی مملکت می باشد و سازمان های منطقه ای که مسنولیت یک استان را خواهد داشت و خصوصیت های منطقه را احترام خواهد گذاشت.

دلخواه انجام دهد
ب- تامین اجتماعی و واحدهای وابسته به آن: تامین اجتماعی و صندوق آن که وظیفه وصول حق بیمه را دارند و بانک رفاه وابسته به آن که سرمایه را به گردش می اندازد سازمانی است ضروری و مورد نیاز به نحوی که روز به روز حجم کار آن بیشتر و وظائف سنگین تر میگردد زیرا زحمتکشان مملکت اعم از کارگر و کشاورز و سایر گروه های مشاغل مثل پیشه وران و غیره که زمانی پیر و معلول و از کار افتاده میگردد بایستی تامین باشند و اگر چنانچه تا به امروز تعدادی معدود از کارگران مشمول بوده اند بایستی با توجه به قیام آنها و انقلابی که نموده از این راه کلیه کارگران و سایر اقشار زحمتکش را در برگیرد.

وظائف سازمان تامین اجتماعی آنچنان وسیع و با اهمیت است که نمی تواند صرفاً به دلیل اینکه مبلغی از دریافتی آن که حدود یک سوم آن را تشکیل میدهند و اختصاص به امر درمان دارد زیر نظر وزارت خانه ای باشد که مسنولیت اجرایی خودش بی نهایت وسیع و سنگین است و مخصوصاً تجربه های گذشته نشان داد که درمان دهنده که همانا وزارت بهداشتی است نمیتواند بیمه گر خوبی باشد زیرا همانطور که میدانیم حق بیمه تا آنجا که ممکن بود اندوخته می شد و کمتر خرج امکانات درمانی و بهداشتی می شد تا جائیکه اکثر بیمه شدگان به مجرد اینکه امکان خارج شدن از آن سیستم را پیدا کردند درخواست دفتر چه های بیمه خدمات درمانی یعنی درمان آزاد (درمان غیر مستقیم) نمودند. به طوری که بیمارستان های اختصاصی خالی از بیمارگردید و در عوض بیمارستان های خصوصی طرف قرار داد با موجی از بیمار روبرو شد و پولهای اندوخته شده از بین رفت.

بیمه و حق بیمه درمانی و پیشنهاد حذف آن قصد این نیست که بیمه را در این جا به تفصیل شرح دهیم بلکه آن قسمتی که در ارتباط با

رفاهی را از آن جدا نموده، بصورت سازمانی مستقل و یا وابسته به وزارت خانه ای که حجم کار آن کمتر از وزارت بهداشتی است و ضمناً از نظر وظائف هم مشابهتی وجود داشته باشد با حفظ استقلال خود وابسته باشد.

اهمیتی را که بهداشت و درمان در هر جامعه ای دارد ایجاد می نماید سایر سازمانهای وابسته غیر مرتبط مثل صندوق تامین اجتماعی - بانکداری و شرکت ساختمانی را از آن جدا نموده و شاید لازم باشد با سازمان رفاهی منتزح شده از وزارت بهداشتی مجموعاً یک وزارت خانه را تشکیل دهند.

چنانچه اقدامات فوق صورت گیرد وزارت خانه موجود به وزارت بهداشتی تنها تغییر نام داده و وظائف خود را که بهداشت و درمان است به شکل ستادی و واحدهای اجرایی مستقل بانجام رساند.

دلائل حذف رفاه و تامین اجتماعی و واحدهای وابسته به آن

الف - رفاه: هر چند تعریفی جامع در مورد آن نشده است و حتی حدود آنرا مشخص ننموده اند ولی از زمانیکه سازمانش و وظائفش در وزارت بهداشتی و بهزیستی ادغام گردید بعلمت اشتغالات زیاد و زلرتخانه در امر درمان و بهداشت روز به روز وظائف رفاهی خود را کوچک تر و محدودتر نمود تا جائیکه منحصر به مددکاری گردید و آنرا هم نتوانست اجرا نماید به نحوی که کلیه اقدامات منحصر به طرح آموزشی مددکاری شد که هیچ وقت به مرحله اجرا در نیامد در حالیکه میدانیم که رفاه چیست که جامعه به آن نیاز دارد و مسنولین کشور نمیتوانند نسبت به آن بی تفاوت باشند و روز به روز انتظارات جامعه بیشتر گردیده و بایستی سازمانی مستقل به وجود آید تا جوابگوی نیازهای جامعه باشد نه بصورت ادغام شده در وزارت خانه ای که خود به سادگی قادر نخواهد بود با توجه به مشکلاتی که بعداً توضیح داده خواهد شد امر بهداشت و درمان را به نحو

انگیزه طرح موضوع: با درگذشتی که ضرورت هراتقلاب است کلیه مسائل اجتماعی - سیاسی و اقتصادی را دربر خواهد گرفت و نمیتواند امر درمان و بهداشت از این قانون کلی بدور باشد و ضروری است آنچه که جایگزین سیستم های گذشته میگردد با توجه به تجربه های گذشته مملکت و سایر کشورهای جهان و امکانات موجود و نیاز جامعه در حال و آینده چنان طرح ریزی و دور از هر نوع شتابزدگی مورد بررسی قرار گیرد تا خالی از هر نوع نقص آماده اجرا باشد.

در ابتدا جامعه هر نوع تغییری را به امید آینده بهتر بپذیرد مشکلات اجرایش پذیرا است ولی آنچه را که بهیچوقت گذشت نخواهد کرد نتایج دور از انتظارش خواهد بود زیرا تصور نمیکند که مسنولین امر طرحی را که انقلاب ملت با گذشت و فداکاری زیاد حتی به قیمت خون خود امکان اجرایش را فراهم کرده است با سهل انگاری تهیه و اجرا کند.

ضرورت تجدید نظر در کار بهداشت و درمان مملکت بعلمت نارسائی های زیادی که داشته و دارد بیش از هر زمان دیگر، امروز به چشم میخورد لیکن انقلاب ملت ایران مسنولیت را صد چندان نموده و لازم است طرح های بهداشتی و درمانی قبل از بررسی لازم و اظهار نظر کارشناسان مطلع نه تنها اجراء نگردد بلکه حتی از اعلام آنها خودداری شود زیرا اعلام بعضی از طرح ها که شناخت بین المللی داشته ولی امکان اجرایش در ایران بررسی نگردیده ممکن است روزی غیر قابل اجراء تشخیص داده شود و در انصورت صرف نظر از عوارض روانی و مشکلات آن قطعا به عدم دقت و بررسی طرح و شتاب زده معرفی خواهیم شد.

سازمان و تشکیلات مورد نیاز خدمات بهداشتی و درمانی

وزارت بهداشتی و بهزیستی مسنول تامین خدمات بهداشتی و درمانی است و در حال حاضر مسنولیت رفاه را هم دارد ولی با توجه به اهمیتی که مسائل بهداشتی و درمانی دارد رفاه تحت الشخاص قرار گرفته به نحویکه فقط از آن اسمی در وزارت خانه باقی مانده و قطعا همیشه هم همانطور باقی خواهد ماند مگر اینکه مسائل

۲۹ خرداد ماه روز خلع ید از کمپانی غاصب نفت انگلیس

روز سه شنبه (پس فردا) مصادف است با روز ید و نهم خرداد ماه یعنی روز تاریخی خلع ید از شرکت غاصب نفت انگلیس در ایران.

چندی که ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق برای ملی شدن صنعت نفت کرد یک جنبش تاریخی با اهدافی وسیع بود که نه تنها در صحنه ملی بلکه در صحنه بین المللی به عنوان یک جنبش ضد امپریالیستی مستقل از ایردوهای جهان و در مقابل آنها بر سایر جنبشهای آزادیبخش تأثیر گذاشت.

مردم ایران به رهبری دکتر مصدق از سوتی با امپریالیسم انگلیس و آمریکا جنگیدند و از سوی دیگر با تبلیغات وسیع و جنگهای تبلیغاتی و روانی سیاست شوروی که به وسیله ابایی خود تا آخرین لحظه با حلقه آمریکی ها نیروی دولت ملی مصدق را با اصطکاکهای فاضلی دچار ضعف می کردند و در چهار روزنامه ابایی خود او را حامل امپریالیسم می خوانند و با شعارهای تند و بی جا و چپرونیهای بی ملاحظه جمع قابل توجهی از جراتان و کارگران و سایر مردم را به دنبال خود به میدان حوادث می کشانند. اما علیرغم همه توطئه ها در بیست و نهم اسفند ماه ۱۳۳۹ نفت ایران ملی اعلام و حاکمیت سوشل امپریالیسم آمریکا و انگلیس و توافقی شوروی زمینه را برای فرود آوردن سر به نهائی و ترتیب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فراهم کرد.

ما خاطره روزهای پیروزی ملت ایران را به رهبری دکتر مصدق در از جمله خاطره روز ۲۹ خرداد را به عنوان روز خلع ید به عنوان نقاط عطف تاریخ مبارزات سیاسی ملت ایران گرامی میدانیم و امیدواریم که روزی در چه زودتر محیط برای لوله یک تجربه و تحلیل انتقادی بی غرضانه و دور از حساسه و شعار فریاد کارنامه حکومت ملی دکتر مصدق آماده شود و این کار راه امید فرودخون چرایی قراره مبارزان و مبارزات ملی ایران انجام دهد.

این عکس منتشر شده دکتر مصدق را در سازمان ملل در جلسه ای که برای دفاع از حقوق ملت ایران شرکت کرده بود نشان می دهد.
عکس از ایوم اختصاصی ملی جواد پور وکیل

مصاحبه با وزیر کشور

بقیه از صفحه اول

گرفتم چند جلسه ای تشکیل داده بودیم که برخورد با اظهار نظر بکنند.

مبارزات سخت خیابانی مردم کرد و سپس آقای خمینی وارد شدند که پیام برای من دادند که تو رفرا ندوم بهتر بود همان انتخابات مجلس شورا را مشغول تهیه قانون اساسی هستی از طرحی که دکتر حسن حبیبی در پاریس تهیه کرده اند هم استفاده تصویب گذاشته می شد؟

ج: چرا اینهم راه حلی بود ولی شورای انقلاب کید ما طرح او را هم گرفتیم.

س: ممکن است چند تن از آقایانی که شرکت این راه را بهتر شناخت.

س: کلا ما برای کی مجلس نمایندگان و رئیس

جمهور خواهیم داشت؟

ج: فکر می کنم انتخابات برای شورای تنظیم تا یکماه دیگر انجام شود حد اکثر تا اوائل مرداد این رای گیری انجام می شود یکماه کار این شورا ادامه خواهد داشت البته مطابق این نامه، این شورا یکماه فرصت دارد برای رسیدگی به قانون اساسی و اظهار نظر مردم پس از یکماه قانون اساسی تصویب شده را در اختیار رفرا ندوم می گذارد. و این کار هم یکماه طول می کشد. انشاء الله در آذرماه مجلس نمایندگان و رئیس جمهور خواهیم داشت.

قانون متری

س: آیا بنظر شما این یک قانون متری است؟

ج: بنظر من بله

س: استاندار قبلی آذربایجان شرقی چرا استعفا داد و آقای غروی بجای ایشان انتخاب شدند در روزنامه ها خواندم تظاهراتی بنفع استاندار قبلی انجام شده آیا این برای شما مشکلی ایجاد نمی کند؟

ج: گرفتاری که مادر استانها داریم گرفتاری کمیته هاست که در همه استانها وجود دارد همه گله مند هستند چندتایی می گویند می خواهند استعفا بدهند آقای مراغه ای که استعفا دادند بهمین علت بود. اما فکر نمی کنم برای استاندار جدید مشکلاتی آن که فکر می کنید پیش بیاید.

س: مگر شهربانیها و ژاندارمریها مشغول نشدند؟

ج: چرا ولی مداخله نمی توانند کار کنند تنها چاره اینست که کمیته ها خلغ صلاح بشوند الان درزبان ۲۷ تا کمیته دارند و خوشبختانه مثل اینکه امروز امام دستور دادند همه آنها منحل شوند. چون استاندار آنها هم می خواست استعفا بدهد.

قدرت عمل تیمسار مدنی

س: شهربانیها انطور که باید بکار مشغول نشدند چند روز پیش کسی می گفت در کارگاهی افسران با لباس شخصی می نشینند و کار هم نمی کنند اینرا بطور حل می کنید؟

ج: کاملا با شما موافقم شهربانی انطور که باید حرکت نداشته و ندارد سرتیب مجالی مرد بسیار شریفی است ولی باید شدت عمل بیشتر داشته باشد که انشاء الله تا چند هفته دیگر درست خواهد شد. البته این را هم از یاد نبریم که افراد شهربانی بطور کلی هنوز روحیه ندارند.

س: واقعه خرمشهر آیا کاملا حل شده؟

ج: بنظر من واقعه خرمشهر یک واقعه کوچک نبود که بگوئیم حالا تمام شده نقشه هایی از طرف عوامل ضد انقلاب چیده و پیاده شد که در کردستان، گنبد، قنده هم دیدیم.

اولین گرفتاری در مهاباد بود اما برای خرمشهر نقشه عیق داشتند الحمدالله تیمسار مدنی با قدرت عمل کرد دولت هم با شدت پشتیبانی بود و اجازه نداد سستی پیش آید از هر جا کمک خواسته به او داده شد. ضمن اینکه توطئه آنها کشف شد و خیلی زود هم مردم متوجه شدند. افرادی که واقعا وطن پرست و انقلابینند و دارای اکثریت کامل هم هستند متوجه شدند که نقشه شومی دارد از خارج و از طرف عوامل ضد انقلاب تحصیل می شود حاضر نشدند آنها را و طرح آنها را دنبال کنند.

س: عده ای خراشان برکناری تیمسار دکتر مدنی بودند چه کردید؟

ج: ما به سختی ایستادگی کردیم خیلی فشار آوردند ولی ما مقاومت کردیم خواسته آنها معقول و منطقی نبود آنها می خواستند از این مسئله سوء استفاده کنند که مدنی از اینجا برداشته بشود و نقشه ضد انقلابیشان پیاده بشود که نشد.

س: بولی در همه استانها

س: گرفتاری شما در استانها چیست؟

ج: بیشترین گرفتاری ما بیکاری دیلمه هاست البته دیلمه هایی که از سالهای قبل بیکار بودند.

س: اگر انجا ۱۰ نماینده هم داشته باشیم با آن آماري که شما دادید باز از غیر ترکن انتخاب خواهند شد. این طرح را که برای اظهار نظر دادیم ۱۶۰ هزار ترکن می توانند ۱۶۰ هزار نظر بدهند اگر می گفتیم از هر شهر بکفر انتخاب شود که ۱۶۵ نفر می شد باز هم این مشکل حل نمی شد.

س: آیا این شورای نمایندگان اختیاراتم برای تغییر مواد قانون اساسی خواهند داشت.

ج: بله اختیار تام خواهند داشت

س: شرایطی برای انتخاب شوندگان تعیین کرده اید چیست؟

ج: از مسائل سیاسی و اجتماعی اطلاع کافی داشته باشند و این می رساند که بیسواد نمی توانند باشند. حداقل سن هم ۲۵ سال می باشد. البته وابستگان رژیم سابق یا از استانداران، فرمانداران و وزرا معارین آنها و نمایندگان و سناتورهای سابق و خلاصه باید بدون ذره ای وابستگی به رژیم سابق باشند.

س: فکر نمی کنید اکثریت این نمایندگان همانهایی باشند که روحانیون پیشنهاد می کنند؟

ج: ممکن است ولی فکر نمی کنم که خود روحانیون در این شورا اکثریت داشته باشند.

چرا رفرا ندوم

س: پس از تمام شدن کار شورای تنظیم آیا باز رفرا ندومی انجام می شود؟

ج: بله

س: آیا باز احتیاجی به رفرا ندوم است؟

ج: اصطلاح مسطه امیزش اینست که مردم تعدادی از آنها نسبت به قانون اساسی اظهار نظر نکرده اند نماینده ای که انتخاب می شود در سطح استانها نماینده عده ای هست و نماینده عده ای نیست فرض کنیم که به من دوازده هزار نفر رای بدهند و به دیگری ده هزار نفر و او انتخاب می شود اما نماینده آن هزار نفر که بمن رای دادند که نیست این موقعیتی است برای همه مردم که بتوانند صد درصد

دیگر نداشتن پول است، می گویند نداریم البته آقای سبین غری فرمایند و می گویند اگر بدون حساب و کتاب پول بدهند تورم ایجاد می شود و مثل همان رژیم سابق خواهد شد که یک سوم از بودجه اش را کسری داشت و این وحشتناک بود. البته سهمیه ای تعیین کردند تا ببینیم چه می شود.

س: در مورد پاکسازی وزارت کشور با این دید که شهربانی ها، ژاندارمری ها، استاندارها و فرماندارها و بخشدارها زیر نظر این وزارتخانه است چه کرده اید؟ آیا تصمیم قاطعی گرفته اید؟

ج: نه خیر هنوز تصمیم قاطعی جز در مورد بازنشسته کردن آنها نمی که ۳۰ سال خدمت داشتند اقدام دیگری نکردیم. مشغول مطالعه هستیم که بچه صورت می توانیم این پاکسازی را انجام بدهیم که حداقل جنجال و گرفتاری پیش نیاید.

س: فکر نمی کنید آنها را که منتظر فرصت هستند مخصوصا ضد انقلابیها خوب جاسازی می کنند و بعد تکان دادن آنها مشکل است؟

ج: نمی توانم منکر بشوم که ضد انقلابی نیستند اما این فرصت را چنان عاملی نمی بینم که موجب شود آنها رخنه کنند بقول آقای طالقانی همه ما مقصر بودیم در همکاری با رژیم حالا کم یا زیاد.

اما افرادی هستند که با جان و دل دست از افکار قدیمی شان بر می دارند و با انقلاب همراه هستند و تعدادی هم هستند که بهیچ قیمتی حاضر نیستند از ریشه ضد انقلاب یعنی قلیشان، روحشان و دلشان سیاه است تا جارج آنها را کم کم شناسایی می کنیم و باید کارشان بگذاریم اگر نگذاریم خیانت به انقلاب است.

س: البته بعد از اینکه کاملا در کشور آرامش برقرار شد شما با استانداری یا فرمانداری و یا بخشداری خانها موافق هستید یا نه؟

ج: نمی شود گفت که خانها اصولا و اساسا قادر به استاندار شدن یا فرماندار شدن نیستند من چنین عقیده ای ندارم ولی بتحقیق هستند خانهایی که خانه شان را نمی توانند اداره کنند پس چنین خانهایی قادر نیستند سلامت و سعادت ساکنین شهری را هم تأمین کنند، اما خانمی را می بینم که اقا در منزل جرات ندارد از ترس او کلری بکند چنین خانمی محققا در سطح وسیعتر قادر به اداره شهر هم خواهد بود.

س: شهربانی پاسبار و ژاندارمری جوانمرد استخدام می کنند از طرف دیگر پاسداران انقلاب هم تعلیم داده می شوند آیا فکر نمی کنید در هنگام شروع بکار اصطلاحی یا تعارضی بین اینها پیش آید؟

ج: تعارضی پیش نخواهد آمد چون وظایفشان فرق می کند جوانمرد ژاندارمری محسوسه کارش خارج از شهر است، پاسداران هم برای مسائل ضد انقلابی که در شهرها پیش می آید بکار گرفته می شوند یعنی برای حفظ انقلاب و سرکوب ضد انقلاب پاسباران هم در شهربانی و کلانتریها کار می کنند و هیچ ربطی کار اینها بهم ندارد.

س: نظر شما راجع به مطبوعات امروز چیست و فکر می کنید آنها مسئولیت خود را احساس می کنند و پی به رسالت خود برده اند؟

نظر من بعد از سالیان دراز اختناق که بعد از پنجاه سال خفقان که مطبوعات نمی توانستند حقایق را منعکس کنند، آنها حال نتوانستند رسالت تاریخی خود را از نظر حفظ آزادی مردم انجام بدهند و تفهیم مسائل فکری و عقلانی مردم را رهبری کنند، آنها بهیچوجه به این کار دست نزنند و بهیچوجه دولت و هیچ دستگاهی در کار مطبوعات نظارتی ندارد.

س: آنها می گویند سانسور آیا شما اعتقاد دارید که سانسور بر مطبوعات فعلی حکم می راند.

ج: کدام سانسور، به مردم می گویند راه پیمانی کرده، کشته دادی انقلاب کردی خیلی خوب حالا وقتی من بخدا می تو و به مقدسات تو فحش می دهم نباید یا من کاری داشته باشی خوب آن مردم طاقت نمی آورند به این می گویند سانسور.

اصلا معنی سانسور را نمی دانند سانسور یعنی عمل قانونی جلوگیری از نوشتن حقایق در مطبوعات، که فعلا در ایران بهیچوجه وجود ندارد. آیا شما در جنبش که مسئول و متعهد است چنین سانسوری را می بینید شما فکر می کنید اگر برای ارشاد مردم برای تفهیم مشکلات و معضلات مردم چیز نویسد خیانت کرده آید به مردم، خوب بهیچوجه چنین روزنامه ای احساس سانسور نمی کند.

البته آن روزنامه ای که می خواهد فحش بدهد، بد بنویسد، معتقد است مردم را به مسخره بگیرد و در ضمن بی خواهد این مردم عکس العمل نشان ندهند و اگر اکثریت مردم عکس العملی نشان دادند می گویند سانسور است.

حتی اگر مردم روزنامه ها را نخرند که همینطور روی هم انباشته باشد می گویند سانسور است. فکر می کنند عده ای چماقدار دم در توزیع ایستاده اند تا روزنامه ها برای فروش نرود ولی مردم نمی خردند چون می فهمند مطلب قابل ارشاد و فهمی برای آنها نداری خوب روزنامه ات را نمی خردند این سانسور است؟

کم کردن حقوقها

بقیه از صفحه اول

هنوز قانون مالک و مستاجر قدیم بر رابطه میان مالک و مستاجر حاکم است. در آپارتمانی متوسط که پیش از نیم از درآمد ماهانه نگارنده این سطور را به عنوان اجاره می. بلند صاحبخانه چندماه پیش به دادگستری شکایت برده و تقاضای تعدیل یعنی اضافه کردن اجاره بها را کرده است. کارشناس دادگستری برای تعدیل اجاره بها به محل مراجعه کرده و اجاره بهار نزدیک به دو برابر قیمت سابق یعنی تمام حقوقه فعلی پیش بینی کرده و در مقابل اعتراض مستاجر این اظهار می دارد که دولت هنوز قانون جدیدی برای تعدیل واقعی اجاره خانه به ما ابلاغ نکرده است. مستخدم اداره ملهم که ملحق شتصندنومان بابت اجاره یک لطای می بره زده با تقاضای فشار موجر برای اضافه کردن اجاره بها رویروست و بیچاره شده است. فن کارشناس دادگستری حق طرف چون ملهمو لبرای قانون است. میوه فروش و بقال و عطارد سوزی فروش و قصاب و بزاز هم حق دارند که هر روز نرخها را بالا و بالاتر ببرند چون هنوز دست واسطه ها از سر احتیاجات عمومی کوتاه نشده است. برنهمه ریزین و اقتصاد دانان دولت هم به خود حق می دهند که طبق ضوابط کتابی خود در اطالهای فرسته برای پاتین آوردن حقوقاً تصمیم بگیرند و در راه لبرای عقاید خود به عنوان سیاست شناسان و پانشاری کنند البته کم کردن حقوقها و پاداشهای کلان از کارهای مثبت دولت بوده است. ولی کم کردن حقوقهای متوسط که کارمند دولت آن را از حقوق مکسبه خود می داند به کارمند این حق را خواهد داد که هر روزهای سازنده پس از انقلاب هست روی هست بگذارند و کم کاری کند و فوساعات بیکارگی به بخش شایعات ضدانقلاب کمک کند.

می کنند و کسانی که علم انحصار طلبی را در انقلاب به دست گرفته اند بیشتر آنانند که با سازشهای گذشته خود از قافله عقب افتاده اند و حالا با بودجه های بی حاصل و خسته کننده قصد جبران مافات دارند.

از طرف دیگر چهره گریه استبداد و فساد و فاسله عظیم و عجیب فقر و ثروت و سیاست زور و قلدری در این سالهای آخر حکومت گذشته نوعی بی اعتنائی و تنوع و عقابت کم کاری در میان کارها به وجود آورده بود که اولین وظیفه دولت و حکومت انقلاب نحوه عملی است که این عقابت را از میان ببرد و مردم را به گذشته و فداکاری و کار بیشتر و صحیح تر وادار کند.

اما متأسفانه همان نبون و از پیش ساخته و پرلخته نشدن برنامه ها نوعی بی برنامگی یا عدم تناسب برنامه ها را به دولت تحمیل کرده است. همه این علل و تلیفات وسیع مخالفان دست کم در میان روزنامه خوانان و کارهای حقوقی بگراون دولت توانسته است به عکس آنچه لازم است روحیه مترزولی را به وجود آورد.

کارگزاران دولت پیشنهاد کم کردن حقوقها را با خبر پاتین آمدن گرایه خانه می خواهند توجیه کنند گرایه خانه کم نشده است. بلکه به مناسبت خروج دلانان و مقاطعه کاران و مستشاران خارجی از کشور، در تهران و بعضی شهرستهای بزرگ تعدادی خانه ها و آپارتمانهای لوکس و گران قیمت خالی شده و به تعداد خانه ها و آپارتمانهای گران قیمت سابق که در دوره طاغوت هم مسالده ای مطرح شده بود اضافه شده. موجری که خانه خود را به یک لبریکالی به بازه هزار تومان فرما اجاره داده بود الان که خالی مانده احتمالا حاضر است به قیمت دوازده هزار تومان فرما اجاره دهد اما این خانه ای است که یک کارمند با حقوق چهار تا شش هزار تومان بتواند اجاره کند.

س: ما به سختی ایستادگی کردیم خیلی فشار آوردند ولی ما مقاومت کردیم خواسته آنها معقول و منطقی نبود آنها می خواستند از این مسئله سوء استفاده کنند که مدنی از اینجا برداشته بشود و نقشه ضد انقلابیشان پیاده بشود که نشد.

س: بولی در همه استانها

س: گرفتاری شما در استانها چیست؟

ج: بیشترین گرفتاری ما بیکاری دیلمه هاست البته دیلمه هایی که از سالهای قبل بیکار بودند.

س: اگر انجا ۱۰ نماینده هم داشته باشیم با آن آماري که شما دادید باز از غیر ترکن انتخاب خواهند شد. این طرح را که برای اظهار نظر دادیم ۱۶۰ هزار ترکن می توانند ۱۶۰ هزار نظر بدهند اگر می گفتیم از هر شهر بکفر انتخاب شود که ۱۶۵ نفر می شد باز هم این مشکل حل نمی شد.

س: آیا این شورای نمایندگان اختیاراتم برای تغییر مواد قانون اساسی خواهند داشت.

ج: بله اختیار تام خواهند داشت

س: شرایطی برای انتخاب شوندگان تعیین کرده اید چیست؟

ج: از مسائل سیاسی و اجتماعی اطلاع کافی داشته باشند و این می رساند که بیسواد نمی توانند باشند. حداقل سن هم ۲۵ سال می باشد. البته وابستگان رژیم سابق یا از استانداران، فرمانداران و وزرا معارین آنها و نمایندگان و سناتورهای سابق و خلاصه باید بدون ذره ای وابستگی به رژیم سابق باشند.

س: فکر نمی کنید اکثریت این نمایندگان همانهایی باشند که روحانیون پیشنهاد می کنند؟

ج: ممکن است ولی فکر نمی کنم که خود روحانیون در این شورا اکثریت داشته باشند.

چرا رفرا ندوم

س: پس از تمام شدن کار شورای تنظیم آیا باز رفرا ندومی انجام می شود؟

ج: بله

س: آیا باز احتیاجی به رفرا ندوم است؟

ج: اصطلاح مسطه امیزش اینست که مردم تعدادی از آنها نسبت به قانون اساسی اظهار نظر نکرده اند نماینده ای که انتخاب می شود در سطح استانها نماینده عده ای هست و نماینده عده ای نیست فرض کنیم که به من دوازده هزار نفر رای بدهند و به دیگری ده هزار نفر و او انتخاب می شود اما نماینده آن هزار نفر که بمن رای دادند که نیست این موقعیتی است برای همه مردم که بتوانند صد درصد

س: عده ای خراشان برکناری تیمسار دکتر مدنی بودند چه کردید؟

ج: ما به سختی ایستادگی کردیم خیلی فشار آوردند ولی ما مقاومت کردیم خواسته آنها معقول و منطقی نبود آنها می خواستند از این مسئله سوء استفاده کنند که مدنی از اینجا برداشته بشود و نقشه ضد انقلابیشان پیاده بشود که نشد.

س: بولی در همه استانها

س: گرفتاری شما در استانها چیست؟

ج: بیشترین گرفتاری ما بیکاری دیلمه هاست البته دیلمه هایی که از سالهای قبل بیکار بودند.

انقلاب سرخ اسلامی ایران (۲)

دکتر ابوالفضل صادقیپور

پیش از توان خود قرار گرفته بود حتی اگر گروهی از افراد می بستند که در بعضی از سازمانهای اداری و یا آموزشی افراد غیر موجهی به عنوان مدیر، رئیس یا سرپرست تعیین شده بازم صورت می یافتند. زیرا این افراد به محض این که سازمان آرام گرفت کنار گذارده می شوند زیرا وقتی نظام بر اساس عدالت و آزادی شکل گرفت، سازمانها نیز از اساسی شایستگی و لیاقت تجدید بنا می شوند.

سومین استدعا از افراد گروههای مخالف دولت انقلاب است که در حفظ ایجاد آراش بکوشند و زهر نوح مبارزه شدن خوفناکی کنند. زیرا طبیعت حکومت انقلابی این است که هر قدر دچار مشکل شود ضعیف تر و در نتیجه برای حفظ موجودیت خود بی رحمتی می شود. به عبارت دیگر هر و تخلف در مجازات مخالفان در شرایطی است که نظام حاکم از گروه مخالف وحشت نداشته باشد.

چهارمین استدعا از محضر دادگاههای انقلابی می شود که در تطبیقات خود و صدور احکام ضمن رعایت اصل عدالت، کوشش در یافتن عوامل تخلف جرم بنمایند نه تشدید جرم.

آخرین استدعا از افرادی است که دارای افکار افراطی هستند. اصولا توجه این افراد به این نکته جلب می شود که تفکرات به حق افراطی آنان در جهت تغییرات اساسی انشی از اعمال رژیم سابق است و به شعارهای افراطی انبوه جمعیت متکی نگردند برای اینکه به فترت انبوه جمعیت پی برده شود کافی است به داستان غم انگیز شیخ مجیب الرحمن در بنگلادش مرور شود. مضافا به اینکه به علت رفتار غیر انسانی و غیر منطقی رژیم سابق قشر وسیعی از افراد نامتعامل در این جامعه است که در جریان هر حرکت افراطی بصورت افرادی عصبی مزاحم و در بسیاری موارد خطرناک جلوه می کنند که کنترل آنان نیز امکان ندارد این تروورها را باید به وجود چنین گروههای افراطی در جامعه است و حتی ممکن است تروورستانها در یک شبکه پیوسته فعالیت نداشته باشند.

چنانکه در رژیم سابق گروههای متعددی بدون ارتباط با هم تشکیل یافته بود.

مردم اسلام را شناختن خود به دنبال اجرای قوانین اسلامی می روند.

نویسنده به گروههای افراطی اسلامی توجه می دهد که چنانچه یک مطالعه حتی سطحی فرموده میزان اطلاعات افراد جامعه در مورد اسلام بنمایند به نفع مایوس کننده ای می رسند. زیرا متوجه می شوند که اکثر زمینه فکری لازم را جهت پذیرش حکومت اسلامی به مفهوم واقعی ندارند. نظام اجتماعی ایران به طور فطری با صحیح در قید قشر وسیعی از افراد تحصیل کرده امروزی قرار گرفته است که در سازمانهای وسیع کار می کنند. بوروکراها که تقریبا افکار مذهبی ندارند مبارزه مذهبی می کنند و در صورت ادامه و آماده شدن زمینه محیطی مبارزات علمی خود را شروع می کنند و با شبکه ارتباطی خود در سطح کشور حالت انفجار ایجاد و فاش میسازند. حاکم می شود این قشر وسیع تقریبا از زمین واقعی تهی است. اول این خلا را با بیستی پر کرد و بعد بنای عظیمی را روی آن ساخت.

است؟

اعدام سرباز و پاسان قدرت ارتش و قوای انتظامی را از زمین می برد.

نتیجه گیری و کلیات

انقلاب ایران در شرایطی به نتیجه مثبت رسید که توجیه تئوریک مورد قبولی بر آن نیست. از این جهت الگوی راهشای کار. انقلابیون نیز از قبیل وجود نداشته است تا بر اساس آن رفتارهای حکومت انقلابی انجام گیرد و این خود باعث مشکلاتی در نظام جدید انقلابی شده است.

توضیح مطلب این که اصولا به طور کلی انقلابات جهان به دو شکل به پیروزی می رسند که البته در جریان عمل قابل تفکیک نیستند و به عنوان مکمل یکدیگر عمل می کنند. شکل اول مربوط به آن نوع از انقلاب است که به طور فعال رشد می کند و قدرت را کسب می نماید. نمونه بارز این نوع انقلاب، انقلاب چین کمونیست است که به رهبری مائوتسه تونگ انجام گرفت. در این انقلاب، انقلابیون مرحله به مرحله پیشروی کردند و تسلط کامل بر امور کشوری و لشگری را حاصل نمودند. اکثر انقلابیون دنیا به خصوص آنهایی که از طریق جنگهای چریکی یا کودتا به پیروزی رسیدند از جمله انقلابات فعال به حساب می آیند.

در مقابل این نوع انقلاب، انقلابات دیگری وجود دارد که از یک وضع غیر فعال یا انفعالی شروع می شود. به عبارت دیگر، مردم به پیروزی انقلابی می رسند ولی نه از طریق خشونت، بلکه بدین صورت که مردم با رفتارهای خاصی مانند راه پیمایی، مبارزه مذهبی، خوسوزی اکثریت بی تفاوت را به طرف خود جلب می کنند و اعضای نظام حاکم به خصوص عاملین نظام حاکم را به ظلم و ستمی که از طبقه حاکم می کنند متوجه می کنند و از این جهت انتقار نظام حاکم تحت فشار قرار می گیرد که به طور آرام و بر اساس قانون و منطق انقلابیون به هدف خود می رسند. این نوع انقلابات به ندرت به نتیجه می رسد و مشخص ترین آن انقلاب استقلال طلبانه هندوستان به رهبری گاندی بود. روشهای انقلاب انفعالی معمولا کمکی در جهت انقلابات فعال به حساب می آید مانند خوسوزیهایی که در ویتهام انجام گرفت.

انقلاب ایران به طور گسترده ای به صورت انفعالی ظاهر شد و به همین علت اکثر شهیدان راه آزادی بی دفاع ترین و مظلوم ترین افراد بودند. انقلابیون در مراحل نهایی زمینه را آماده دیدند که انقلاب فعال را شروع کنند ولی از جهت حالات انفعالی آن قدر پیشروی شده بود که نظام حاکم به خردی خود فرو ریخت و گروهی از انقلابیون فعال به آسانی مواضع فرو ریخته و نیمه فرو ریخته نظام قبلی را به تصرف در آورند. در این شرایط بود که قدرت به دست دولت انقلابی افتاد بدون اینکه آمادگی قبول آن را می داشت.

مشکل اصلی دولت نیز از همین جا است. زیرا دولت انقلابی در محدوده یک قدرت ناشی از انقلاب انفعالی کار می کند. مظاهر و آثار حالات فعال انقلاب کاملا مشخص است. دولت با تاکید بر قوانین مقررات گذشته غیر از اصل رژیم مظهر حالت انفعالی است و حال آنکه شورای انقلاب و کمیته ها ناشی از احاطت فعال انقلاب است که پس از تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل مجلس شورای ملی و دولت مجدد این وضع تفکیکی از زمین می رود.

نفره مذهب اسلام در ایجاد حالت انفعالی به قدری قوی بود که بین تمام گروههای سنی افراد بسیاری یافت می شدند که در راه نیل به شهادت مسابقه می دادند. این جلوه قدرت ایمان است که رهبران مذهبی را به خصوص آیت الله العظمی خمینی را بر این ولایت که تاکید بیش تر حتی به تشکیل قوای جمهوری اسلامی بنمایند.

به منظور توجیه اظهار نظر فوق نویسنده که مطالباتی رسمی و غیر رسمی در علوم اسلامی نیز طرز می خواهد نظرات خود را صریحا اعلام فرود نگردانی از این است که چنانچه تحولات به سوی ایجاد یک حکومت اسلامی باصطلاح و قبل از اینکه افراد ملت آگاهی لازم را نسبت به اسلام داشته باشند صورت گیرد احتمالا زمینه جهت ارتجاع آن چنان فراهم می شود که منجر به یک عکس العمل ضد دینی گردد. در حال حاضر موقعیت به بهترین وجهی آماده آموزش و اشاعه تفکرات مذهبی است با یک برنامه منظم و پیگیر می توان دین مبین اسلام را به بهترین وجهی با استفاده از امکانات دولت و وسایل ارتباطات جمعی رواج داد و یک انقلاب اسلامی فرهنگی به وجود آورد که توجه جوانان را به خود جلب کند. وقتی

به طور خلاصه منظور بیان این مطلب است که هر قدر دولت در پاکسازی محیط و تسلط بر امور و تهیه مقدمات انتخابات تسریع و کوشش کند با حرکات ضد انقلابی مبارزه کرده است و بر عکس هر قدر در تغییر اساسی تشکیلات و روابط اجتماعی تمهیل کند به پیشواز شکست و رشد حرکات ضد انقلابی رفته است.

قبل از پایان این بحث، نویسنده نظرات خود را در باره نقش مطبوعات در مبارزه با حرکات ضد انقلابی بیان می دارد. بدیهی است که مطبوعات می توانند مردم را به حرکتی تشویق و یا از حرکتی باز دارند. چقدر خوبست که مطبوعات به این مساله توجه داشته باشند که حکومت انقلابی نو پا سخت آسیب پذیر است. یک چنین دولتی هنوز در حال جنگ سختی با اعران و انصار رژیم سابق است و مسئولان امر در مطبوعات نیک میدانند که حکومتی در حال جنگ به نوعی سانسور نیاز دارند. چقدر خوبست که مطبوعات با یک حالت خود سانسوری در ایجاد آراش اجتماعی کمک کنند. همانطوریکه تا قبل از سقوط رژیم به آتش انقلاب دامن زدند.

شاید روزنامه ها بتوانند با فعالیت گسترده خود نقش عظیمی را در تزکیه نفس و تقویت اخلاق مردم که مهمترین ثمره انقلاب است ایفا کنند.

زیرا زمینه برای این کار امر شده است. جریان امر در عمل بدین صورت است که در حین انقلاب همه میدانند یا میشینند که افراد بسیاری خود را فدای بقیه ملت میکنند. این فداکاری جنبش تعاونی عظیمی به وجود آورد که در استمداد بیمارستانها برای خون و وسایل ملاحظه گردید. این حس تعاون، نوع دوستی و انسانیت، کم کم جزیی از رفتار اجتماعی میگرد. آن حالات دشمنی ضمنی و کینه جوایی بی نام که به علت اجحاف طبقات به یکدیگر وجود داشت از بین رفته است. پزشک دیگر به بیمار خود به صورت یک پسر و با فروش طعام و یا مفازه دار گرانفروش نگاه نمی کند او دیگر به بیمار خود به عنوان فردی که یکی از عزیزانش را به خاطر آن پزشک و دیگر افراد جامعه از دست داده نگاه میکند. دیگران نیز به پزشک به عنوان مظهری از انسان دوستی میگردند. این تغییر رفتار شامل تمام روابط اجتماعی مانند رفتار روانه تاکسی به سر نشین، مالک به مستاجر به فانش آموزش و بالعکس و از این قبیل میگرد.

مطبوعات ما می توانند با انتشار مقالات منطقی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در حفظ این یافته انقلاب و تهذیب بیشتر اخلاقیات بکوشند و دین خود را پیش از پیش احیا کنند.

در این شرایط اجتماعی اقتضا دارد که مطبوعات مردم را پیش از پیش به آراش و میانه روی تشویق کنند زیرا در غیر این صورت زمینه آماده ظهور گروه افراطی می شود و اگر گروه افراطی حکومت را به دست بگیرد برای حفظ خود روشهای استبدادی بسیار شدیدی را انتخاب خواهد کرد و اگر گروه افراطی شکست بخورد نظام حکومت به دست افراطیون مقابل می افتد در حال نتیجه این خواهد شد که خونهایی که در انقلاب ریخته شده از زمین می رود که البته به علت اعتقاد بسیار مردم به رهبر انقلاب این طور نخواهد شد و این فقط یک توجیه تئوریک از تفکرات افراطی است. ضمنا نتیجه مهم این بحث می تواند این نیز باشد که با بیستی کوشش کرد که اثر وجودی رهبر پیر انقلاب به حداقل برسد زیرا در غیر این صورت رهبر انقلاب به صورت تنها هدف دشمن و شیشه عمر انقلاب در خواهد آمد و جامعه انقلابی سخت آسیب پذیر می گردد.

هنوز این اتفاق نیفتاده است ولی در صورت ادامه جامعه قطعا گرفتار حکومتی مانند آرژانتین، یزیل یا به طور کلی میشلری جوشا می شود.

آخرین نکته مورد نظر فرموده نقش مطبوعات در شکل دادن به اهداف انقلاب در مورد توجیه نظام حاکم انقلابی و افراد ملت هر باره معیار مجازات تبعکاران و وابستگان به رژیم سابق است. به نظر نویسنده علاوه بر رعایت اصل قصاص به طور کلی، فرجه آگاهی فرد خاطی نسبت به اعمال خود می تواند معیار مناسبی به حساب آید. به عنوان مثال آیا مجازات فرد دزداننده فلسفی که با آگاهی کامل و با تبانی با اعضای فلسد حکومت سابق از طریق تقلب در اسناد مطالعه کاری دست به غارت اموال ملی زده و یا از مینهای ملی و یا وقتی را ستمسازی کرده و فروخته است باید بیشتر باشد یا مجازات آن ملور انتظامی که لورا پیش از بیست سال در یک حالت چهل و ترس آموزش دشمنی با مردم داده اند و در یک موقعیت تحریک و وحشت زاریت و مقابل تیری به سوی نظامر کنندگان شلیک کرده

۵۳

بقیه از صفحه ۵

مسائل روز

این ناحیه وسیع را هم سرزمین ترکمن و ترکمن صحرا می نامند اما چون سرزمینی حاصلخیز است نزدیک پانصد هزار نفر مهاجر ایرانی به دنبال کار و کسب آنجا زندگی می کنند. حالا اگر برای این ناحیه به فراهم بیست و یکم هم انتخاب کنیم، مهاجرین با اکثریت عددی می توانند کاری کنند که حتی یک نماینده ترکمن هم انتخاب نشود. آنوقت ضرورت ترکمن مایم به خود حق می دهد که مقاومت کند و دست به تفنگ برد. در کرهستان و خوزستان و یلوچستان هم به همین شاید اینکه دیروز آقای شریعتی در مجلس هم اعلام ترفک راه پیمایی جمعه را کرده به همین علت است که فکر کرده پشت سرش عوامل مشکوکی سنگر گرفته اند و خود را پنهان کرده اند تا سر به ای به گل جوش بزنند.

در حال من به ترخاب می گم که شونده ام هستی. لفظه ای این سوال را از خود بکن که اگر اعلامیه ای پیش تو برادر یا خواهر یا دوست من بیاورند که طعنه یا اصول انقلابی و آزادی حاکم که به آن معضلی موافق باشد ولی هملا با توجه به اوضاع و احوال زمان تشخیص دهی که طری اعلامیه یک جنگ داخلی را اعلام می کنی. چه خواهی کرد؟ این سوالی است که من هم در جوابش معضل تو عزیز سوال کننده فرماده ام.

نویت به آقای حیدری رسید و گفته من تصحیح می کنم از اینکه آنتور سوال فروان در باره مسائل روایتی و زود گذر مطرح می شود ولی در باره یک مساله اساسی و زیربنایی انقلابی که ملی شدن بانکهاست فقط چند سوال معده رسیده است. به حال اجازه بدهید یک بار دیگر بابت این عمل اساسی انقلابی به دولت بازگوکن تریک بگویم.

بازگوکن تریک بگویم. ملی کردن بانکها لیت پول را که به آن بهره می گویند به جیب خود زده اند نه دولت وظیفه

خوش می دانست که موسساتی را که در سراسر کشور و رشکستگی هستند برای حفظ حقوق مردم نجات دهد. آیا این دولت که بیشتر از ۷۰٪ مردم پشتیبانش هستند نباید اقتصاد مملکت را سر و سامان بدهد. اگر دولت بانکها را ملی نمی کرد همان مشکلی برایش پیش می آمد که در مورد مطبوعات پیش آمد.

اگر بانکهای مایبست چهل و لنگران بماند چطور می شود اقتصاد ملرا بسوی اقتصاد آرزایی سوق داد.

وقتی یک بانک ورشکست می شود اعتبار مردم به بانک هم از زمین می ریزد و اینکه چرا بانکها بندگانند و در راه ورشکستگی باید دید چه کسانی بر بانکها ستم دارند و چه کسانی بر سیستم پولی و مالی مملکت ما حکومت می کنند. اغلب صاحبان صنایع خوسهلنداران عده بانک برنده و مالکین آلتی را که یک میلیون آرزوی نلرده پنج میلیون لاسان بانکها گروسی گنایند و وام می گرفتند و اینست دلیل بندگان بودن و ورشکستگی بانکها.

اما سوال شد چرا بانک اسلامی از این حکم معضلی است؟

میانکار را بر اساس نسخه چاپ ها ملی نگردیم بانک ملرا ملی کردیم برای اینکه اسلامی کنیم این فرعون قانون ملی شدن بانکها هم هست بنابراین بانک اسلامی یک تجربه اسلامی است از نظریه برد مضاربه، مالیت و کارمزه باید دید این مسائل چه می شود و این بانک این تجربه را می نماید ولی بانک مرکزی کاملا آنرا کنترل می کند.

انقلابی که از دولت است این است وقتی معنی منتشر می شود باید قدمهای بعدیش هم روشن شود. پولی می گویند ملی شدن رجوع به دست گرفتن مطبوعات است بعضی می گویند رجوع به مالکیت است باید متن سیستم اجرایی آن را هم دولت منتشر می کرد تا این تاملها پیدا که به آن بهره می گویند به جیب خود زده اند نه دولت وظیفه

تضعیف رهبری...

بقیه از صفحه ۲

سوی سرمایه‌داری وابسته بیشتر و سرپرستی می‌کند.

این گونه انحصار طلبی نتیجه‌ای جز لطمه زدن به شمول رهبری آقای خمینی و ایشان را به معرکه مبارزه برای قدرت و توطئه‌های ناشی از آن کشاندن نتیجه دیگری ندارد. آقای خمینی نیازی به قدرت ندارد بلکه خود در مرکز قدرت مادی و معنوی جامعه تشسته است اما از آنجائی که توجه همه مردم بسوی ایشان است و دولت و شورای انقلاب را برگزیده ایشان و زیر فرمان ایشان میدانند خواه ناخواه همه عوارض و آفات ناشی از انحصار طلبی قدرت نیز بسوی ایشان و ساخت پاک ایشان باز می‌گردد.

تضعیف رهبری تنها از سوی چپ‌نماهای افراطی و اعمال بجه‌گانه آنها انجام نمی‌گیرد بلکه بزرگترین لطمه به رهبری و تمامیت و جمعیت آن از جناح فرصت‌طلبان قدرت‌جو می‌خورد که درست آخر همه اعمال خود را بنام آقای خمینی و از سوی ایشان توجیه می‌کنند.

مانند خط سیر انقلاب خود را از تجربه‌های گذشته و شکست‌های آن جدا کنیم، در گذشته ضعف‌هایی که نهفت ما را به شکست کشاند عوامل زیر بود:

- ۱- تبلور رهبری در وجود یک نفر.
- ۲- ادامه این تبلور پس از پیشرفت یک مرحله از نهفت.
- ۳- خردداری از ایجاد یک سازمان نیرومند سیاسی.
- ۴- خلاء بین رهبر و عوامل دیگر رهبری در گروه‌های سیاسی و دولت.
- ۵- فقدان یک برنامه جامع و قاطع اجتماعی و اقتصادی انقلابی.
- ۶- ضعف تدریجی رهبری و نفوذ تدریجی عوامل ارتجاعی و قدرت‌طلب.
- ۷- توقف رهبری در تجدید هدفهای انقلاب و هماهنگ نکردن نهفت با سیاست‌های روز.
- ۸- سرخوردگی و نا اطمینی تدریجی مردم و بی‌تفاوتی آنها نسبت به مسائل روز.
- ۹- بلاتکلیفی و سستی رهبری و دولت در برابر توطئه‌های ضد نهفت.
- ۱۰- ضربه کودتا و شکست نهفت.

این خط سیر را چگونه میتوان متوقف کرد؟

جز از راه اجرائی یک طرح قاطع انقلابی برای تجهیز توده‌ها و حفظ جنبش‌های انقلابی در آنان بوسیله مشارکت و دخالت هر چه بیشتر آنها در امور اجتماعی. وقتی توده‌ها به دست آورده‌های مادی انقلاب رسیدند و حضور خود را در مراکز تصمیم‌گیری احساس کردند دیگر نمیتوان انقلاب را با ضربه کودتا و توطئه نابود کرد.

طرح‌های انقلابی را بدون مشارکت روشنفکران و گروه‌های وطن دوست و معتقد سیاسی نمیتوان تنظیم کرد و در مرحله اجراء آورد.

در انقلاب ما به خاطر خصوصیت‌های خود قدرت از روز نخست بدمت روحانیون افتاد و روحانیون نیز با تشکیل شورا و حزب و کمیته‌ها و پاسداران و راه‌گام‌های دقیق قدرت را هر چه بیشتر در دست خود متمرکز کردند و در انحصار خود در آوردند. اما ادامه این وضع خواه ناخواه روخوانی را با استفاده از قدرت به سبب در برابر سایر گروه‌های سیاسی قرار میدهد و مانده این زد

سالگشت شهادت دکتر شریعتی

سالگشت شهادت معلم و مبارز نمونه دکتر علی شریعتی پس فردا (روز سه‌شنبه) است. دکتر شریعتی پس از زندان و توطئه‌ای که علیه او و برای آزادی او ترتیب داده شده بود، فوراً از چشم مأموران سازمان امنیت دیکتاتور به خارج از ایران گریخت. ولی چلاندن سواک در آنجا نیز از تطبیق و آزارش دست برنداشتند. تا پس از مدتی کوتاه که فوراً از کشور پسر می‌برد در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ به مرگ مشکوک و زورفرسی شهید شد. شهادت دکتر شریعتی معلم با فضیلت نسل جوان انقلابی و مؤمن ما ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر بود.

در همان زمان با شنیدن خبر شهادت دکتر شریعتی، علی‌اصغر حاج سیدجواد بیانی‌های در این باره نوشت که به صورت دست‌نویس و فترکی منتشر شد. متن آن بیانیه را در این صفحه همراه با گرامی‌بداشت یاد آن شهید ملاحظه می‌کنید.

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاءا عند ربهم یرزقون

برادر گرامی من دکتر علی شریعتی به شهادت رسید و به پیروی از شریعت حقه اسلامی در سال‌های شگوفائی عمر کوتاه خود در همه دقایق و لحظاتی که نبض زندگی او در دوران حیات پر پرکشش مهذب‌شده‌ی زمان خود بود، شهادت به تمبیر اسلام و در ادراک بی‌کرانه و فیاض علی شریعتی نه در ایشان جان و مرگ در میدان نبرد بلکه در حضور در زندگی زمانه و رنج و محنتی است که از رهگذر استبداد و ستم ظالمان و سالوس‌ریا کاران و غارت‌زنان و زین‌پر مردم بی‌توا میرسد. او در زندگی امت خود شهید و شاعری در حد اعلای صداقت بود و این شهادت را با قلم و زبان در ترسیم چهره واقعی انقلاب اسلامی و حکومت اصحاب زور و زورچالانی که در تاریخ جامعه بشری دین را وسیله ظلم و تعدی و سالوس و ریای خود کرده‌اند شجاعانه و عالمانه و عاشقانه بیان کرد.

آنچه او در چهره‌گشائی از حقیقت اسلام انجام داد و به نام آن واقعیت تعهد و مسئولیت‌اشافی را بر نسل‌های جوان جامعه ما عرضه کرد کاری بس عظیم و سترگ بود که از قرن‌ها پیش از او کسی کمتر به هست این مهم نبسته بود و اثر آن تا روزگار دراز در حیات فرهنگی و معنوی ملت ما باقی خواهد ماند. او در زمینه این جهاد انسانی تبلور زنده یک امت بود زبان و قلم او در چرخش بیدادگری و ظلم و ستم نظام استبدادی پسان‌المناس درخشان و حجتی قاطع بود. منطق او در ادامه حقیقت اسلام و مامیت اجتماعی و انسانی قیام محمد آنچنان نهضتی در تفکر و اندیشه نسل‌های جوان وطن ما بوجود آورد که رژیم استبداد - هراسان و وحشت زده کانون فعال و مرکز نشر عقاید و افکار او یعنی حسینیه ارشاد را بر خلاف قانون تعطیل کرد و مدتها شریعتی و پدر بزرگوار و فاضل او را به زندان انداخت و سپس زبان و قلم او را به بند کشید و او را بصورت آتش‌نشانی خاموش در آورد. انسانیکه با فضل و دانش وسیع خود چراغ درخشان تفکر و اندیشه نسل‌های جوان بود محکوم سبکوت و عزت گردید. کتاب‌های او که چیزی جز بیان حقیقت و وسیله روشنی افکار و هدایت اندیشه‌های سرگرفته نسل جوان نبود از کتابخانه‌ها جمع‌آوری شد و چه بسیار جوانانیکه به خاطر خواندن کتاب‌های شریعتی و با وجود کتاب‌های شریعتی در خانه‌شان بزدان افتادند و به

زیر شکجه رفتند او حجت و دلیل زنده‌ی زمان خود و جامعه خود و شهید زنده‌ی فاجعه‌ای بود که قدرت استبدادی از ظلم و فساد و غارتگری بر ملت ایران تحمیل کرده است. او به مصداق هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون تصمصم زنده معرفت و آگاهی و وجدان بیدار زمان خود بود. او بر که صاف و زلالی از شهادت بود که چهره پلید کفرها و پلیدیها و ستمگرهای استبداد را مجسم می‌کرد. راه تحمیل و ریاکاری سالوسان زمان را برهنه و آشکار مینمود و تفاوت بین حق و باطل را در چهره مجاهدان واقعی اسلام و ریاکاران روحانی‌نمای - اسلامی نشان میداد. او هیچگاه به شهادت علی و حسین دو مظهر جلیذبان جوانمردی و شجاعت و فضیلت اشک ترحم نریخت و خود به پیروی قتیان بزرگ اسلام به شهادت بیداد و ستمگری زمان خود شجاعانه پایمردی کرد و در همین راه به شهادت رسید. راه او راه جاویدان حق و حقیقت و جهاد بر علیه ظلم و ستمگری بود او به لاج معنوی خود رسید و همه انسان‌های بافضیلت و با شهادت باید به راه او ادامه دهند. خاطره عظیم و میراث پر برکت او را با شجاعت و فضیلت زنده نگهدارند. با اهریمن ظلم و استبداد به مبارزه بر خیزند و به ندای هل من ناصر ینصرنی مردانه پاسخ دهند که قبول دکتر علی شریعتی این خطاب حسین در کرینلان به پاران حاضر بود که اتان همه جان خود را در جهاد با ظلم و فساد بنی‌امیه ایشان کرده بودند بلکه خطاب حسین به همه نسل‌ها و به همه انسان‌ها و به همه مبارزانی بود که سرنوشت آنها را در همه اعصار و قرون به قیام بر علیه بیدادگری دعوت میکند. شریعتی به دعوت حسین لبیک گفت و عاشقانه جان داد. او راه شهادت را - آگاهانه انتخاب کرده بود و برای او نظیر همه مردان با فضیلت تاریخ راه خدا راه جهاد بر ضد بیدادگری و راه معرفت و راه امر به معروف و نهی از منکر بود.

خوشحال گسانیکه بر بیداد زمانه خود از راه قلم و قدم شهادت بر می‌خیزند و شهادت به خاک هلاکت می‌افتند.

من به خانواده او تسلیت نمی‌گویم بلکه برای فرزندان او و همه فرزندان با فضیلت وطن خود آرزو میکنم که همچون دکتر علی شریعتی پیوسته شاهد زنده و شهید جاوید زمان خود باشند.

علی‌اصغر حاج سید جواد

جنبش

بناظر شورای نویسندگان

سرپریر: اسلام کازمیه

صفحه ارانی از: حبیب مفتون

نشانی: غرب تهران - خیابان فرصت شیرازی - تقاطع با اسکندری

شمالی - شماره ۱۵۵ - تلفن ۹۱۳۳۸

نمایندگان جنبش در شهرستانها

در صورتیکه روزنامه شماره موقع رسید خواستندم فوراً با تلفن به ما اطلاع دهید

جلسه بحث و انتقاد

جنبش

چهارشنبه‌ها

از ۸ تا ۸ بعد از ظهر تشکیل می‌شود

محل ساختمان شماره ۱ و دفتر جنبش



فردا پیمان سالت ۲ وسیله دو ابر قدرت جهان خوار امضامی شود

را دوماه پیش خبرگزاریها مخابره کردند که در صورت تقاضای آن دولت نیروهای نظامی کشور دوست و هم مسلک علیه مردم افغانستان وارد عمل شوند یعنی یک ابر قدرت رسماً در امور داخلی یک کشور کوچک دخالت کند و صدای آمریکا درینامد در افسار جریان اختلافات کابل خواندیم که سفیر آمریکا به دست عده‌ای ناشناس گشته شد باز هم صدای آمریکا درینامد

پیش از شروع مذاکرات سالت ۲ از خبرگزاریها شنیدیم که طرفین در مذاکرات خود راجع به ایران هم گفتگو خواهند کرد در همین اثنا می شنیدیم که شعار انقلاب اسلامی ایران در داخل افغانستان نفوذ کرده است و بانگ داله اکبر که هر نیمه های شب از سرپایا بر می خیزد خواب را به چشم مسنگه حاکمه حرام کرده است. این شعاری است که یک طرف پاترسه اقتصاد مصرف و طرف دیگر با تبلیغ شعار همین المون توده هاست تصور می کردند چایبه آن را از بین ببردند و امروز که در کنار هم نشسته اند ناچار به آنتیپه این چایبه نوظهور خواهند بود و مذاکره خواهند کرد که چگونه بر فراز تپه‌ها و محاسبات آنان ممکن است جریاناتی به وجود آید و پیشرفت کند بر ماست که با حفظ تعادل و توجه به واقعیت های جهان امروز و تکیه به ریشه های اساسی جریان انقلاب و رزمیده های فرهنگی آن در راه حفظ دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن در سطح ملی و جهانی با واقع بینی عمل کنیم.

تصویر کرده است که دست در گرن هم با قلمهای خود کاری که وحشتناکترین پیمانی آنان است سرگرم امضای نامه سرنوشت بشری هستند اما حاصل کار آنان جز تریسیم خطوط کج و معوج و بی معنایی نیست.

در دیدارهای گذشته و توافقاتی گذشته این دو ابر قدرت جهانی پیدا بود که بر سر حضور یک دیکتاتور خون آشام در ایران و حکومت خود سرانه او به لژی تسلیم و دادن نفق به غرب و گاز به شمال توافق شده است ولی حرکت انقلابی مردم ایران و حمله از زلزله ای که برای هیچکدام قابل پیش بینی نبود سیر حوادث را به نفع مردم و به زیان هر دو تغییر داد. باز پیدا بود که در دیدارهای گذشته این دو ابر قدرت چگونه کشور هسایه ما افغانستان سهم حریف شرقی شتاخته شده بود قرار داده رسمی دولت افغانستان با شوروی

ریش و گیسوی بلند و در حال خیش کشیدن بالفتندش و به حضور نیکسون بر فند تا مدال و نشان قهرمانی خود را بگیرد دیدیم که وقتی از کاخ ریاست جمهوری درآمد مدال افتخارش را در اولین مجرای فاضلابی که دیدانداخت و دنبال کار خود رفت.

ابر قدرت ها به رغم اعتقادات ظاهر ا معقابل خود دوستانه در کنار یکدیگر می نشینند تا ظاهر کمیت سلاح های را که ساخته اند کنترل کنند ولی تکمیل کیفیت ضد بشری سلاح ها هیچ وسیله کنترلی موجود نیست. ظاهر تبلیغاتی قلمبه تبلیغات بشر دوستانه است ولی کسب که نداند در دو به پشتیبانی سلاح های مرگ آور خود کنار یکدیگر قرار می گیرند تا بر سر سرنوشت من و تو و سر زمینها و مردم جهان و منابع ثروت مردم جهان معامله کنند. کار یگانگت نیست هزمنند مجله فرانسوی اکسپرس این دونیرو را دوقول، دوگوریل، دووحشی اولیه جنگها

سران آمریکا و شوروی دوا بر قدرتی که به پشتیبانی سلاح های وحشتناک و مرگبار خود به خویش حق می دهند جهان را به دو منطقه نفوذ بین خویش قسمت کنند. دوروز است که دروین پایتخت اطرش به سر می برند و فردا قرارداد سالت ۲ را امضا خواهند کرد یک نگاه به صورت منتشر شده در مطبوعات جهان از کمیت و کیفیت سلاح های که در دست دو حریف است چشم انداز وحشتناک و پراز اضطراری پیش روی انسان نیمه دوم قرن بیستم می گشاید.

دو ابر قدرت که یکی پیشفراول حقوق بشر و دموکراسی و دیگری پرچمدار طرفداری از طبقه کارگر است قسمت اعظم سرمایه های فکری و مادی بشر را به انباشتن زرادخانه های خود و ساختن و بازساختن و تکمیل کردن سلاح های مرگ آور اختصاص داده اند و هر یک برای توجیه اعمال خود دلایلی عوام پسند هم در چته دارند. بشریت امروز سرگرفته وحشی است که از دانستن کیفیت مرگ آور و ضد حیات و آزادی سلاح های طرفین است. رواج هیبی گری و فساد و اعتیاد در میان نسل جوان یک طرف و اعتراض و خشم سرگرفته، طرف دیگر عکس العمل منطقی این محیط وحشت و اضطراب است. خرید یوانه شدن ظلمانی را که نخستین سبب امنی را بر شهر هوروشما افکند تا «آزادی» متفکین پرفاشیسم هیتلری پیروز شود شنیدیم و عکس و تفصیل قهرمان جنگ ویتنام را که وقتی از کنار خیابان با لباس هیبی ها و

هرگونه وسیله نفوذی دولت ایران در مقامات آمریکائی تکذیب کردند. خانم جاویس هفده پیش گفت هرگز با من نه کتاب و نه شفاهی در خواستی درباره اعمال نفوذ من در هوستان آمریکائی من و شوهرم بعمل نیامده است. او افزود هر کاری ما انجام دادیم قانونی بوده است. او برای انجام وظایف در شرکت مذکور فقط نصف مبلغ ۶۷/۰۰۰ دلار را دریافت داشته است. اما او از هرگونه اظهار نظر درباره قصد مقامات ایرانی خودداری کرد. من هیچ نوع اطلاعی از مکاتبات و مکالمات مقامات ایرانی نداشته ام. هفده پیش صحت اعتبار و وجود اسناد ایرانی معطوفه از طرف فریدون هریدا. سفیر سابق شاه در سازمان ملل، که در جریان مذاکرات ایران از شرکت آمریکائی بود، ثابت شد. سه هفته پیش، پس از اینکه نیاتور جاویس طی قطعه سنا مسامکات دادگانه ای انقلابی را متکرم نمود، رئیس دادگاه انقلابی ایران سناتور آمریکائی و همسرش را معتم به فساد بر روی زمین - صید لی (الارطی) - کرد. گزارش های مربوط به خانم سناتور پسنلی هو تهران تولید سروصدا کرد. زیرا دولت ایران با سائل روز مهتری سروکار داشت. حسن زیه مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران با اعتراض اعلام داشت که رزیم قصد فساد تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، و حقوقی را در قالب اسلام حل و فصل نماید. هر شهر سبلی خورشید، و هم چنین در ابدان که بزرگترین پالایشگاه نفت جهان در آنجا است. بین قوی دولتی و اقلیت عرب خواستار خودمختاری زده خود در گرفت که در نتیجه آن حداقل ۲۵ نفر کشته شدند. آیت الله خمینی از شدت خستگی از طریق راهبوی دولتی اعلام داشت که بددت پکفته استراحت خواهد نمود این دومین هفته استراحت او در طی یکماه گذشته بوده است.

ترجمه از مجله نایم ژون ۱۹۷۹

درباره سوء استفاده خانم سناتور جاویس

وزارت دادگستری آمریکا میبایستی بعنوان یک کارگزار قرارداد مذکور در آن وزارت به ثبت برساند. انشای این معامله منجر شد باینکه مطبوعات روابط فزالت ایران و سناتور جاویس را که یک سناتور عالی رتبه کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا میباشد، متناقض با وظائف سناتور آمریکائی بدانند. خانم جاویس از کارگزاری شرکت مذکور استعفا کرد. پیش از ۲۰۰/۰۰۰ دلار بابت این برنامه شرکت مذکور پرداخت شد.

هم خانم جاویس و هم شرکت را در فلین از وجود

ترجمه: دکتر خواجوی

می توانند بمقامات تصمیم گیرنده آمریکائی دسترسی نزدیک پیدا نمایند. پرویز راجی، مشاور مخصوص آن زمان هویدا نخست وزیر، تاکید کرد. «انجام این معامله قابل توجیه است. اگرچه پول زیادی را بجیب خانم جاویس سرازیر میکند. برای اینکه این کاتال نفوذی بیشترین اثر را بگذارد. بایستی در نهایت اختفاء باقی بماند. هرتوجه، باتصویب شاه هواپیمائی ملی ایران قراردادی با شرکت مذکور منعقد ساخت.

این پروژه در سال ۱۹۷۶ با سروصدای زیادی در آمریکا رویداد شد. زیرا خانم جاویس بر اساس قوانین

وقتی تبلیغات وسیع برای شناسائی ایران در سال ۱۹۷۵ شروع شد بنظر یک برنامه پیشرفته و عالی جلوه میکرد. ولی مخارج عظیم این تبلیغات بیش از حد تصور بود. قسمت روابط عمومی شرکت راهبرایان با دریافت مبلغ ۵۰۷/۰۰۰ دلار شرکت هواپیمائی ملی ایران را از طرز فکر آمریکائی ها درباره مسافرت با ایران مطلع میکرد. این معامله وقتی آشکار شد که معلوم شد شخص ذینفوذ این معامله خانم ماریان جاویس ۵۳ ساله، همسر سناتور آمریکائی از نیویورک جاکوب جاویس است. ماه گذشته، دولت انقلابی ایران اسناد محرمانه مربوط به حکومت شاه مخلوع را منتشر ساخت. این اسناد فاش ساخت که جنبه دیگر این معامله آن بوده که دولت ایران راه نفوذی در بین مقامات آمریکائی پیدا نماید. بموجب پاداشتی که بین شاه و مشاورین نزدیک او ردوبدل شد، فکر انجام این معامله در سال ۱۹۷۲ بوجود آمده بود. خانم جاویس، دوست نزدیک خواهر هورولری شاه، در نامه ای به نخست وزیر وقت امریکاس هریدا پیشنهاد نمود که ایران درصدد ایجاد یک برنامه مبارزه آموزشی باشد. این برنامه میبایست روی این موضوع دور بزند که شاه دارای هدفهای اجتماعی سازنده است، و تحت شرایط موجود در ایران، تنها راه رسیدن به این هدفها، کنترل شدید و هبری مصمم، و برنامه ریزی ملی تفصیلی میباشد. این پیشنهاد مورفوقبول هویدا واقع شد. در نامه ای به شاه، هویدا پیشنهاد نمود که در صورت انجام این معامله میتوان از نفوذ خانم سناتور و شخص سناتور برای انجام مقاصد دولت ایران استفاده نمود. در این سند خیلی محرمانه، دولت ایران نتیجه میگیرد که از طریق تماس های خانم جاویس و نفوذ شوهرش، مقامات ایرانی

آگهی تشکیلاتی
شرکت در مراسم سالگشت شهادت دکتر شریعتی
کمیسیون تشکیلات به کلیه اعضای جنبش اعلام می دارد که روز سه شنبه ۲۹ خرداد ماه همراه با گروههای هوادار استاد شهید دکتر علی شریعتی در مراسم سالگشت شهادت وی شرکت کنند